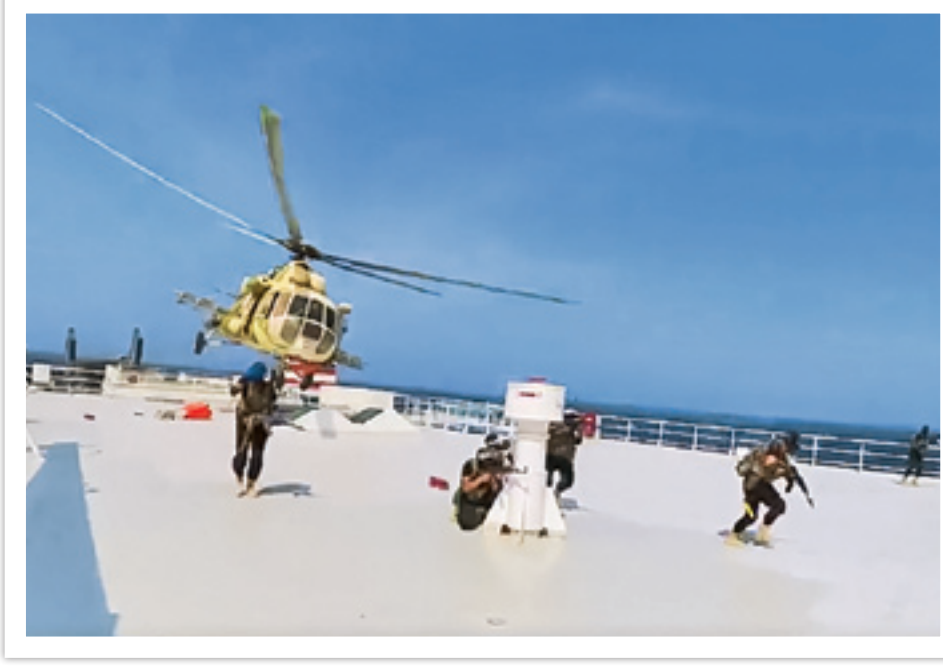


چالش راهبردی انصارالله برای آموزه بن‌گور یون

دریای سرخ به رنگ یهود نمی‌شود



فلسطین و محکومیت کشتار فلسطینیان نوار غزه از سوی رژیم در یمن انجام شده است. موضوع دیگر ایجاد چالش ژئوپلتیکی از سوی یمن علیه رژیم از جانب دریای سرخ و باب‌المنذب است که در ابعاد راهبردی برای رژیم اهمیت دارند. در یک برآورد استراتژیک به نظر می‌رسد برای رژیم‌صهیونیستی، عدم تسلط بازگستران رقیب بسر مناطق سوق الجیشی اهمیت شایان توجهی دارد. باب‌المنذب از این حیث که مهم‌ترین مسیر



تل او یو همیشه خود را در محاصره اعراب دیده است، بنابراین استراتژی سنتنی آن در حوزه دریای سرخ بر بنیان «دکترین بن‌گوریون» و تبدیل دریای سرخ به یک دریای یهودی بوده؛ چیزی که حالا انصارالله آن را به چالش کشیده است

■ **سجاد مرادی کلاره**

با آغاز عملیات طوفان‌الاقصی در هفتم اکتبر از سوی نیروهای حماس، مناطق غرب آسیا و شمال آفریقا آستن وقایع بسیاری بوده‌اند که یکی از مهم‌ترین آنها افزایش تحرکات نیروهای محور مقاومت برای کمک به حماس است. در این بین، ورود رسمی جنبش انصارالله در یمن به جنگ بارژیم‌صهیونیستی اندکی بعد از تهاجم همه‌جانبه این رژیم به نوار ژئوپلتیکی مواجهه‌سازد. انصارالله در این مدت قابلیت‌های بسیاری از خود نشان داده که هدف قرار دادن سرزمین‌های اشغالی یا موشک‌ها و پهپادهای تهاجمی بخش مهمی از آن است. در سوی دیگر در جدیدترین اقدام در این رابطه، نیروی دریایی یمن یک کشتی متعلق به یک تاجر صهیونیست را در عمق دریای سرخ توقیف کرد و ۵۲سرنشین آن نیز بازداشت شدند. تل‌او یو در واکنش به این اقدام اعلام کرد که درباره تسلط انصارالله بر کشتی‌باری اسرائیلی در دریای سرخ تحقیق خواهد کرد. دفتر نخست‌وزیری رژیم نیز ایران را عامل توقیف این کشتی دانست.

در حالی است که رسانه‌های متعلق به رژیم همچنین هدف انصارالله از انجام این اقدام را وارد آوردن ضربات سنگین به تجارت رژیم در منطقه دریای سرخ و ناامن جلوه دادن این منطقه عنوان کردند. درباره نقش یمن و انصارالله در حمایت از گروه‌های فلسطینی در عملیات طوفان‌الاقصی چند نکته حائز اهمیت به نظر می‌رسد. به طور کلی حوثی‌ها و جنبش انصارالله همواره یکی از مواضع اصلی خود را حمایت از قضیه فلسطین در برابر اشغالگری قرار داده است. هدف اصلی این موضع‌گیری قبل از طوفان‌الاقصی، روند عادی‌سازی اعراب با رژیم بود، به گونه‌ای که عبدالملک الحوثی همواره تأکید می‌کرد افزایش سرسریدگی حکومت‌های عربی دست رژیم را در توطئه علیه فلسطین، مشارکت رژیم در محاصره نوار غزه و حمایت از تجاوزات رژیم به فلسطینان نوار غزه و قتل‌عام و کشتار آنها باز گذاشته است.

او چاره این مشکل اساسی را این می‌دانست که حکومت‌های عربی بار دیگر به آگاهی و بیداری گذشته خود بازگردند و ببینند که بر سر مهم‌ترین قضیه جهان اسلام چه می‌گذرد. پس از به قدرت رسیدن انصارالله تظاهرات‌های همیشگی در مخالفت با مقاومت

۴ چشم انداز

پیر المملار

سرویس بین‌الملل ۶۰۸۵۲۳

دورنما

ظرفیت الحاق افغانستان به جبهه مقاومت

آوردند، اما به نوعی سایر جریان‌ها و احزاب سیاسی با سابقه جهادی و مقاومت اسلامی، تحت تأثیر تصاحب قدرت و ثروت و دلارهای امریکایی عملا از میدان به در شدند.

■ **بازگشت به روایت فراگیر**

در نهایت، در ۲۴مرداد ۱۴۰۰ امریکسا با پذیرش شکستی تلخ، مجبور به خروجی خفت‌بار و تنگین از افغانستان شد.می‌توان گفت،افغانستان پس از خروج امریکا از این کشور، این ظرفیت را دارد که بار دیگر به بازوی قوی جبهه مقاومت اسلامی علیه استکبار جهانی در سطح جهان اسلام و به خصوص در قضیه فلسطین تبدیل شود، باید این ظرفیت بالقوه، به یک ظرفیت بالفعل تبدیل شود. در طول دو سال گذشته در حوزه حمایت افغانستان از جبهه مقاومت اسلامی در فلسطین حداقل شاهد چند تغییر مهم هستیم. ۱- تغییر رویکرد فرهنگی: ایسن تغییر رویکرد زمینه‌ساز تغییر نگاه مردم به مسئله فلسطین و اهمیت حمایت از مردم مظلوم آن شده است، به گونه‌ای که امروز مردم افغانستان به صورت خودجوش در راستای حمایت از بیت‌المقدس و فلسطین به صحنه می‌آیند. در ادامه این تغییر رویکرد، شاهد علاقه روزافزون مقام‌های حکومت طالبان و همچنین مردم افغانستان به ساخت نمادهای بیت‌المقدس در چهارراه‌ها و مکان‌های مهم کابل و دیگر شهرهای این کشور هستیم که دو نماد بزرگ در کابل با ظرفیت حضور نمازگزاران در آن افتتاح و به محور حمایت مردم از قدس تبدیل شده است.



۲- تغییر رویکرد سیاست خارجی: تغییر مهم دیگر، تغییر در رویکرد سیاست خارجی مردم و حکومت افغانستان و حمایت صریح و بی‌برده از مردم مظلوم فلسطین و نکوشش شدید جنایات رژیم‌صهیونیستی با حمایت امریکایی جنایتکار است. در این زمینه از یکسو شاهد استقبال برخی جریان‌های مقاومت اسلامی در فلسطین به خصوص جنبش حماس از پیروزی طالبان در افغانستان و شکست امریکا در این کشور هستیم که حتی این پیروزی را به عنوان الگویی برای مبارزان و مجاهدان فلسطینی برای شکست رژیم‌صهیونیستی مطرح کردند. پیرامون روابط طالبان و جنبش حماس، شاهد برخی دیدارها از جمله دیدار مهم سخنگوی



در مناسبات طالبان و جنبش حماس، شاهد برخی دیدارها از جمله دیدار مهم سخنگوی طالبان، ذبیح‌الله مجاهد با اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی این جنبش در حاشیه سفر به ترکیه در سال گذشته هستیم. مهم سخنگوی طالبان، ذبیح‌الله مجاهد با اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی این جنبش در حاشیه سفر به ترکیه در سال گذشته هستیم

در مناسبات طالبان و جنبش حماس، شاهد برخی دیدارها از جمله دیدار مهم سخنگوی طالبان، ذبیح‌الله مجاهد با اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی این جنبش در حاشیه سفر به ترکیه در سال گذشته هستیم که برای بسیاری غافلگیر کننده بود. از سوی دیگر، به خصوص پیرامون تحولات اخیر در سرزمین‌های اشغالی و جنایات این رژیم در غزه، شاهد موضع‌گیری‌های متعدد و صریح و روشن مقام‌های ارشد حکومت، از جمله وزارت امور خارجه طالبان است. به همین خاطر، در کنار جنبه فرهنگی، در جبهه سیاسی و سیاست خارجی نیز افغانستان پس از شکست و خروج امریکا و ناتو از ظرفیت جدیدی برای تبدیل شدن به یکی از بازوان و محورهای جدید جبهه مقاومت اسلامی علیه استکبار جهانی، به خصوص در مسئله فلسطین برخوردار است و باید به آن میدان داده شود. البته این نکته را نیز نباید فراموش کرد که طالبان با حمایت از مسئله مهم فلسطین در تلاش برای بهبود جایگاه خود در جهان اسلام نیز بوده و در این زمینه تانک‌های موفق بوده‌است. به دنبال تحولات ۱۵ماه گذشته در سرزمین‌های اشغالی فلسطین و غزه و جنایات گسترده رژیم‌صهیونیستی، گزارش‌های متعددی از آمادگی برخی از مجاهدین و مبارزان مسلمان در افغانستان، به خصوص در بدنه طالبان برای سفر به فلسطین و غزه و مبارزه در کنار برادران مسلمان خود وجود دارد.

■ **تغییر رویکرد جنگی حماس**

از سوی دیگر، با توجه به تغییر رویکرد جنبش حماس در نبرد نابرابر اخیر با رژیم‌صهیونیستی به بلندشدن جنگ به یک جنگ چریکی و فرسایشی بیندمدت، به نظر می‌رسد تجارب مجاهدین افغانستان از جمله طالبان که تجربه‌های موفق چندین دهه جنگ در برابر ابرقدرت‌های شرق و غرب را دارند، می‌تواند به عملکرد بهتر و مؤثرتر تر گروه‌های مبارز فلسطینی در ظرفیت استفاده کرد. کما اینکه اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی جنبش حماس در سخنانی از عملکرد طالبان افغانستان در شکست امریکا، به عنوان الگویی برای مبارزان فلسطینی در شکست رژیم‌صهیونیستی نام برده است. در چندین دهه گذشته، نمونه‌های مؤثری از استفاده از مجاهدین و مبارزان افغانستانی در نبردهای خارج از این کشور از کشورهای آسیای مرکزی، عربی و جمهوری اسلامی ایران وجود دارد.

دولت‌ها و چه از طرف گروه‌های شبه‌نظامی در این منطقه حتی اگر در حد حملات نامتعارف باشند، معضل عمده‌ای برای رژیم محسوب خواهد شد.

■ **چالش اقتصادی**

چالش دیگر حملات یمنی‌ها علیه منافع رژیم در حوزه اقتصادی است. یمنی‌ها به این موضوع آگاه هستند که رژیم وابستگی بالایی تجاری و اقتصادی به باب‌المنذب و دریای سرخ دارد. مبادلات تجاری رژیم از طریق این منطقه حدود ۱۵ میلیارد دلار است و حدود ۲۰درصد تجارت خارجی آن نیز از دریای سرخ انجام می‌پذیرد. این موضوع در علیه تجاوز نظامی ارتش اتحاد جماهیر شوروی شرایطی که ارتش یمن اعلام کرده است تمام کشتی‌های تحت مالکیت یا مدیریت شرکتهای اسرائیلی را هدف قرار خواهد داد و از تمام کشورها خواسته است شهروندان خود را که به عنوان خدمه روی عرشه کشتی‌هایی با پرچم رژیم کار می‌کنند، خارج کنند، بیشتر مؤثر خواهد بود. عبدالملک حوثی، رهبر انصارالله نیز در واکنش‌های ابتدایی این گروه به جنگ غزه گفته بود که «به حملات علیه اسرائیل ادامه می‌دهد و کشتی‌های این رژیم در دریای سرخ و تنگه باب‌المنذب را هدف قرار خواهد داد.»

با این حال، نکته میدانی مهم این است که توان یمنی‌ها و به طور خاص انصارالله در باز کردن یک جبهه جدید یک بخش از ارتش رژیم را به خود مشغول کرده است. یمن تاکنون ۹عملیات موشکی و پهپادی علیه مواضع رژیم انجام داده است. این حملات در کنار حملات حزب‌الله از مرزهای لبنان، رژیم را در محذورت ژئوپلتیک و استراتژیک از جنوب فلسطین اشغالی قرار داده است. از این منظر، کارکرد انصارالله همچون سایر گروه‌های مقاومت در وهله اول مشغول کردن بخشی از ارتش رژیم و در درجه بعدی ایجاد بازدارندگی برای جلوگیری از گسترش میدان جنگ است. به علاوه رژیم از توان بالای نفری یمن در شرایطی که انصارالله اعلام کرد صدها هزار یمنی آماده‌هزاف به سرزمین‌های اشغالی هستند، در هراس است. در مجموع به نظر می‌رسد، کارکرد نروهای یمنی در حمایت از حماس دارای دو ضلع است؛ اول مبانی اعتقادی آنها برای مقابله با رژیم اشغالگر و دوم هم‌انگهی با سایر ارکان محور مقاومت در ایجاد توان بازدارنده علیه رژیم.

کشورهای عربی مخالف خود فرام‌شود.» یکی از نظر یه برادران صهیونیست چند دهه پیش در این مورد نوشت: «ما ناوگان دریایی بزرگی داریم که به همه بنادر جهان رفت‌وآمد دارد، بنابراین باید برای آینده به نحوی آماده شویم که ناوگان‌های دریایی و جنگی ما بتوانند اقتصادی و امنیتی توجه داشته است و دریای سرخ را نه تنها از نظر حمل و نقل کالا برای خود مهم تلقی می‌کند، بلکه از نظر امنیتی یک دریاچه یهودی ما هم به نوبه خود برخی کشورهای عربی را محاصره کنیم.»

رهبران فعلی رژیم‌صهیونیستی نیز معتقدند اسرائیل باید تمام توان خود را برای جلوگیری از انجام هر گونه اقدام و تهدید بین‌المللی برای مسدود کردن مسیرهای کشتیرانی دریای سرخ به کار گیرد. این موضوع به ویژه از این منظر که حوثی‌ها از حالت تدافعی خارج شده و نقش تعیین‌کننده‌ای در معادلات منطقه به ویژه پاسخ به حملات عربستان سعودی یافته‌اند و همچنین به سلاح‌هایی نظیر مین‌های دریایی، قایق‌های نظامی و موشک‌های زمین‌به‌دریا برای پاسخ به حملات احتمالی دست یافته‌اند، از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. بر این اساس هر گونه اقدام علیه منافع رژیم چه از نسوی

دریاچه یهودی!

بن‌گوریون در مورد چرایی تمایل این رژیم برای تسلط بر دریای سرخ معتقد بود: «ما از لحاظ خشکی در شرایط محاصره قرار گرفته‌ایم و دریا تنها راه دسترسی ما به جهان و دیگر قاره‌هاست، بنابراین باید روابط خود را با کشورهای که به پیرامون کشورهای عربی یا پیرامون خط مقدم جبهه اعراب و سرزمین‌های اشغالی قرار گرفته‌اند، گسترش دهیم تا این‌باره تأسیس امکان محاصره

۴ چشم انداز

تبعات اروپایی چرخش ژئوپلتیک امریکا از اوکراین

از جمله شامل کمک ۱/۷میلیارد دلاری به اوکراین می‌شود، به کنگره ارائه داده است، اما مخالفت فزاینده جمهوریخواهان در کنگره، سرنوشت این کمک‌ها را در حاله‌ای از ابهام فرو برده و تداوم کمک‌های نظامی به کی‌یف را به تصمیم کنگره پیوند زده است. دولت بایدن اکنون بیش از پیش نگران این امر است که با توجه به مخالفت کلی جمهوریخواهان با کمک‌های گسترده کنونی به اوکراین و درخواست مشروط و محدودشدن این کمک‌ها، عدم تصویب بسته مالی کلی منظر وی در کنگره، باعث اختلال در استراتژی واشینگتن در قبال جنگ اوکراین و بی‌انگیزه‌شدن اوکراینی‌ها در جنگ علیه روسیه شود. در واقع تمرکز امریکا بر مسئله جنگ در غزه و سفرهای متعدد مقامات ارشد دولت بایدن موجب شده است در عمل مسئله اوکراین کم‌رنگ شود و تلاش‌ها برای تداوم کمک به کی‌یف عقیم بماند. این مسئله‌ای است که موجب اختلال در هندار مقامات اوکراینی شده است.

امریکا چرخش جدید خود را به هشدار درباره فرسایشی‌شدن جنگ در اوکراین درباره حمایت متحدان غربی اوکراین از کی‌یف، ابراز ناامیدی کرده است.

■ **معضل جایگزینی اروپا**

با بالا گرفتن مخالفت جمهوریخواهان با ادامه کمک ایالات‌متحده به اوکراین در حمایت‌های نظامی واشینگتن از کی‌یف تقویت شده است. جنبش رویکردی، اتحادیه اروپا را با چالشی جدی روبه‌رو خواهد کرد. انتظار می‌رود با کاهش کمک‌های نظامی امریکا به اوکراین بار این امر بر دوش اروپایی‌ها بیفتد. هر چند اروپا حداقل در حرف، خود را به حمایت تمام‌عیار از اوکراین متعهد کرده است، اما توانایی قاره سبز برای افزایش حمایت نظامی از اوکراین در برابر روسیه به شدت محدود است و به باور برخی تحلیلگران، این وحدت می‌تواند در غیبت امریکا در هم شکنند. داده‌های اتحادیه اروپا نشان می‌دهد کشورهای عضو این اتحادیه از زمان آغاز جنگ اوکراین، متعهد به تخصیص حدود ۸۰میلیارد دلار برای کمک‌های



گمانه‌زنی‌ها در زمینه قطع حمایت‌های نظامی واشینگتن از کی‌یف تقویت شده؛ رویکردی که اتحادیه اروپا را با چالشی جدی روبه‌رو خواهد کرد و انتظار می‌رود بار کاهش کمک‌های نظامی امریکا به اوکراین بر دوش اروپایی‌ها بیفتد

مقامات ارشد امریکایی و ناتو بر این گمان هستند که پیروزی روسیه در جنگ اوکراین آن هم در مجاورت ناتو به معنای بی‌اعتباری این سازمان نظامی و گسترش هر چه بیشتر نفوذ و قدرت منطقه‌ای و بین‌المللی روسیه خواهد شد و معادلات امنیتی و نظامی و سیاسی را در اروپا به ضرر غرب تغییر خواهد داد.

■ **تحولات ژئوپلتیک**

به نظر می‌رسد مسئله جنگ طولانی روسیه و اوکراین اکنون با توجه به تحولات اساسی دیگری مانند جنگ حماس و رژیم‌صهیونیستی و التهاب شدید در غرب آسیا از یک سو و فقدان منابع نظامی در کشورهای حامی کی‌یف از سوی دیگر، عملاً از اولویت کشورهای اروپایی و تا حدی